

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ می ۲۰۱۹

زندانیان قربانیان نظام های حاکم اند، نه دشمن بالفطره مردم!

پنجشنبه- ۲۶ ثور ۱۳۹۸ - کابل: از اهم اخبار دیروز و امروز کابل، درگیری بین زندانیان و پولیس دولت دست نشاندۀ در زندان پلچرخ، بخش جنائی آن می باشد. طبق گزارشات رسیده، در جریان درگیری های دو روزه ضمن کشته شدن پنج زندانی، بیش از دو صد تن از زندانیان و پولیس زخم برداشته، اداره همان قسمت زندان را زندانیان از اداره پولیس درآورده اند.

من در این یادداشت به صحت و سقم دلایل ارائه شده از جانب پولیس که گویا اشیای غیر مجاز نزد زندانیان وجود داشت نمی پردازم، زیرا نفس پذیرش این ادعا، بیانگر فساد حاکم در اداره زندان است که امکان انتقال قاچاق اسباب و اشیای غیر مجاز را در زندان ممکن می سازد، امری که بدون آنهم همه می دانند که چنین فسادى نه تنها در اداره زندان حاکم است، بلکه در تمام وزارت داخله و وزارت عدلیه و در تمام ادارات دولت دست نشاندۀ بیداد می کند. فسادى که شاخصترین نمونه آن را از طریق همین پورتال در اختلاس بیش از ۲۷۰ میلیون دالری "رولا غنى" همسر قانوناً هیچکاره "غنى احمدزى" معرفی نمودم. در عوض می خواهم توجه شما خوانندگان عزیز را به فلسفه و طرز دید حاکمیت ها در افغانستان در درزانی تاریخ نسبت به زندان و زندانی نقطه گذاری نمایم، باشد در وقت مناسب بیشتر به آن پرداخته شود.

۱- نخستین مسأله ای که به ارتباط زندان و زندانی مطرح می گردد، هدف از ایجاد زندان و بخشی از افراد جامعه را در عقب چند دیوار و بسته در زنجیر انداختن است. تا جائی که از نگرش حاکم ادارات دولتی و مقاماتی که با زندان و زندانی سرو کار دارند، بر می آید از دید آنها فلسفه ایجاد زندان چند نکته است:

الف- فرد زندانی انسان خاطی، بزهکار، متخلف و مجرمی است که می باید در زندان بیفتد تا به نسبت گناهای که مرتکب شده می باید مجازات گردد، "سزای قروت آب گرم است"، ...

ب- فرد زندانی، انسان خطرناکی است که در صورت آزاد بودن، می تواند به جامعه، اقوام، خویشاوندان و هرکس دیگری آسیب برساند، در نتیجه چنان فردی به زندان افکنده می شود تا مردم از اضرار و جنایات وی مصون بماند.

پ- از دید مردم عوام، زندانیان درکل به دو دسته تقسیم می گردند:

پ-۱- آنهایی که به اتهامات سیاسی زندانی شده اند، برخورد نسبت به آنها در تمام ادوار کاملاً بازتابی بوده از روابط مردم با حاکمیت در کل. از آنجائی که مردم در تمام این اوقات با هیچ یک از تصامیم حاکمیت ها موافق نبوده و خود حاکمیت ها را دست نشانده، مزدور و چپاولگر داریی های عامه دانسته اند، لذا نزد آنها زندانی سیاسی از ارج و منزلت برتری برخوردار بوده، چه هنگام تحمل حبس و زندان و چه هم بعد از رهایی از اعتبار، شأن و عزت خاصی نزد مردم برخوردار بوده اند.

پ-۲- در مورد زندانیان غیر سیاسی اعم از جنائی، اخلاقی و اجتماعی، دید مردم نسبت به زندانی باز هم تابع روابط دشمنانه شان به حاکمیت ها می باشد. یعنی چون مردم در عمل مشاهده می نمایند که سران حاکمیت همه دزد، قاجاگیر، جاسوس، خیانتکار و قاتل اند و از لحاظ وجدانی آنها را مستحق در بند و زندان افگندن می دانند، لذا با زندانی ها از موضع ترحم آمیز برخورد نموده، اکثر افراد معتقد اند:

آنهایی که در بند و زندان اند در بدترین صورت مجرمین و بزهکاران کوچک، بی واسطه و بی پول اند که به چنگ دولت اسیر شده اند. هرگاه آنها هم صاحب جاه و جلالی می بودند به مانند سایر دزدان و خیانتکاران به جای زندان سر از وکالت و ریاست و وزارت می کشیدند.

با این طرز دید، پایواز زندانی نه تنها از کمک به مجرم خود را گناهکار نمی داند، بلکه وظیفه خود می داند تا به زندانی که در "مظلومیت" قرار گرفته کمک نماید.

ادامه دارد.